

شرح معنی اللیب حاشیه مدون بر شرح جامی رساله منقح المطلب بر آیه المؤمنین منبع الحیات مسکن جوان  
 فی جواز الفرار من الطاعون مقامات النجاة حواشی کلام الله که مولانا محمد در سه مجلد تدوین نمود و حواشی  
 بر پنج البلاغه و حواشی بر شرح ابن ابی الحدید و بر اکثری از کتب حدیث و فقه و عربیت حواشی  
 تعلیقات شایسته دارد که هر یک کارنامه و احصای آنها باعث اطناب است تا در سه کثیر از او  
 یکصد و دوازده که شوق طواف مشهد مطهر رضوی علیه التحیة و الثنا او را گریبان گیر شده روانه  
 گردید بعد از حصول آن سعادت عظمی در مراجعت بمنزل جابدر من اعمال فیلی ازین سراسر  
 عاریت بریاض رضوان شتافت اللهم اسکنه فی فلان یس الجنان و انقض علیه شایب  
 الرحمة والغفران لستان فیلی که مشهورست بل بزرگ و بقرب یکصد هزار خانه دار کما میست  
 همه امامی مذہب و شیعی فطری انداختار آن دیار بارگاہی عالی بر مرقد او ساخته و موقوفات  
 بسیاری وقف آن سرکار و قرار و خدمت معین نمودند و الی الآن آن عالی بارگاہ مطاف مردم  
 آن دیارست از چهار پسر مخلف شد سید نورالدین و سید حبیب الله و سید محمد شفیع و سید جمال الدین  
 سید حبیب الله در صغر سن تمیز نارسیده وفات نمود و از سید محمد شفیع اولاد ذکور مخلف نشد و سید  
 جمال الدین از ویک پسر مخلف شد سید مجدالدین بنندوستان افتاد و از و خبری نشد مولانا السید  
 صالح بن عطاء الدین سید محمد بن حسین البحر ازمی مولف تحفة العالم در ضمن احوال سید  
 نعمت الله جزائری سابق الذکر تقریب ذکر کسانی که در عهد او از موطن اصلیش جزائر شوشتر آمده  
 با و پیوستند آورده سید فضل سید صالح بن سید عطاء الله که عموزاده حقیقی سید عالی مقام بود و او  
 شوشتر گردید و در آنجا سکنی گزید از اتقیای روزگار و از علوم متداوله خالی از ربط نبود و بعد از چندین  
 درگذشت و از ویک پسر مخلف شد سید اسمعیل از و بوجود آمد سید فضل عالیشان سید زین الدین  
 علیه الرحمه که احوالش خواهد آمد مولانا شاه محمد بن محمد المیشر ازمی از اکابر علماء و نحاری بر فضلا  
 و مشایخ نبلمای شیعه دامیه است کتاب روضه العارفین شرح صحیفه سید الساجدین <sup>بمقام این بدان</sup>  
 علیه السلام که از مصنفات فائقه آنجناب است شاید بر فضل و جامعیت او است مولانا محمد مؤمن

شرح معنی اللیب  
 حاشیه مدون بر شرح  
 جامی رساله منقح  
 المطلب

جزائري كنه از تلامذه جناب موصوف ست در كتاب طيف الخيال بتقريب ذكر مشايخ خود آورده  
 واخذت كثير من الاحاديث والتفاير واصناف علوم الحكمة من الطبيعي والالهي والسياسة والرياضية  
 والحسبي الموسيقي والاكرات والمتوتطات وما والاها من الفنون اشكالات مدة مديدة وسنين  
 عديدة عن البحر المواج والسرراج الواجه انموفج المحكم الهندسين وخاتمة الفضلاء المتبحرين في العلم  
 المتلاطم مواجده وبيت الفضل التلا لاسراج حيث الكرم الذي يفيد ويفيض ولجة الفيض الذي  
 لا ينضب ولا يفيض المتقن في جميع الفنون والمفتخر به الاباء والبنون السابق من كل جنس قبله  
 والفاوق على كل معاصرو من بعده رئيس اهل الفضل وصاحب المنطق لفضل والكلام الخلو من الجهد  
 والنزل علامة طارصيت فضله في الافاق والنقد الاجماع على انه المجتهد على الاطلاق محدث سلم عن  
 البحر والتعديل رواياته ومفسر صفى عن النقص والترتيب توجيهاته مطنب كلامه غير مل وموجز اختصاره  
 غير مغل منشئ يسبح العقول بنفقات قلده الشاروشيرح الصدور ورسومات كلمة الفاتحة نسائم الاسرار شاعر امته  
 النظم باعه واستحال على مناضله اتباعه فاما من فن الاوله في الخط الاوفى والمور والعدب الاحلى الا  
 علامة له من التصانيف ما يدل على كمال فضله وسوقه يدى العلم الى محله وابكار افكار تفوق على عرائس الفنا  
 ونفائس معاني ازهى من قلادة في جيد الفواني وحل مشكلات ضحت العقول معقولة جانية بين يديها  
 ونشرنا ليفات است الرغبات مستوقفة المطايا تنوى اليها ومحامكات تيمط تعقلها عقول العقول الاقرا  
 ومواخذات ينيب عند شجره اوردان اذ بان الاعيان وتوجيهات اغلاط خلص بها عن حصره الزنج  
 انما ويرفع اغلاقات وقف دون الوقوف على معانيها اقوام اعوانا فواستاد لكل باعقفا والكل في  
 الحقيقة لا بالماز وسيق الفنايات في مضمار لسبق عند التناضل للاحرار من يرمى انه يصحى مناقبه  
 ويذكر لكل تفصيل واهل لقد وجدت مجال القول واسعة وان وجدت لسانا قاتلا فقل  
 سل عنه والنطق والظلالية تجد ملا المسامع والافواه والمقل حلوا الفكاهة مرا بعد قدم حبت  
 بدقة لطبع منه رقة الغزل اعنى اسادنا ومن بهتتنا وناعمدة المحدثين وزبدة المحققين فخر التكلمين  
 والمحكمات المتاملين ثقة الاسلام قدوة الانام كثر الافادة وكعبة الوفاة معدن المعارف والمولى العار

العلامة الاوحد مولانا شاه محمد بن محمد اصطبلانی اصلًا و مولانا الشیخ ازلی منزلاً و موطناً الازال عن اسیا  
 و علمه سامیا و صدره مبطلاً شعة الانوار فی انوار اللیل و اطراف النوار و من المد علی النور شین  
 یا علم سدره المنیفه و متع طلاب العلم بطول مدته الشریفه و اجری بحر التائید فلک وجوده و اطلعه  
 من افق التائید منه و وجوده ما دام التاسع محدودا بجمادات و العاشر مدبر الکائنات و حرفت الاشخاص  
 بسماوات و انشقت الاراضی عن بنائنا و تعاقبت الانوار و السامات و داست الارض و السموات  
 و ایم المد انه لم یزل مع علو رتبة و سمو قدره و منزلته فی نهاية التواضع و غفل الجناح و کسر النفس و  
 لین الجانب و بذل الجهد فی ابصال النفع و دفع الضر عن الاقارب و الاجانب اذا اجتمع مع التمدین  
 عد نفسه کواحد منهم و لم یمل نفسه العلیه ابدًا الی التیز شیء ما عنهم قد تمیز بهذه الصفة عن ابناء جنسه و حمله الله  
 بهذه الخصلة تزکیة لنفسه حتی الی رأیة مرارًا ایام ملازمته قد صف الفحال و سبق الی وضعه بالملذات  
 مع انه شیخ کبیر جاوز التسعین و کان سبعین بر الناس و لا یستعین بطوبی له من جمیل حسن خلقه و نبیل عظیم خلقه  
 سهل اللقاء و اذ احلت بداره ما طلق الیدین مودب الخدام و اذ ابیت صدیقه و شقیقه لم یتم ایتماؤه الا رجاء  
 و تذکره شیخ علی حزین مسطور استاد العلماء و اسوة العرفاء مولانا شاه محمد الشیرازی متخلق باخلاق حمیده  
 نبوی و متأدب باداب مرضیه مرتضوی و از بدلت تمیز تانائیت زندگانی که از عمر طبیعی در گذرشته بود  
 روزگار خود را صرف خدمت دینی و نشر معارف بقیة و ادای تخیل شوبات نمود و با دراک صحبت  
 بسیاری از علماء و عرفا و اتقیان فا بزرگ دیده بود و از ماثر قلم فیض شیم ان قابل محقق رسال شریفه شرح  
 صحیفه و تحقیقات لطیفه بر صفر و روزگار بیادگار است رقم حروف در شیراز قدری از احادیث  
 رضوی سامی ایشان قرارة تحقیق موده و کتاب حکمت العین را با حواشی در خدمتش گذرانیده  
 و حاضر بود که آن نقاوة سعادت نماند ان بجهان جاودان ارشال فرمود و طوبی لهما حسن بنا  
 کاهی طبع مستقیمش بانشار شعر مائل دایات عزرا و رباعیات آشنا بمذاق عرفا از نتایج افکار آن بزرگوار  
 پر د از در میان و تخلص آن عارف عارف عارف است و نیز در سوانح عمری نوشته که مولانا ی  
 از نظر استاد العلماء از نواد در روزگار بود شیخ عظیم و حظی قوی و عمری طولی داشت ادراک صحبت

بسیاری از علما و اکابر عرفا نموده اکثر ممالک عالم را دیده بود و در تحصیل مراتب عالیه و تکمیل نفسیه  
 کشیده به شایخ و اولیا اخلاصی عظیم داشت و بنیاد ستوده اخلاق و کریم الذات بود و در زیاده  
 یکصد سی سال عمر یافت و میرا سرف شرف علم و حق طلبی و خیرخواهی عباد نمود و چند رساله در حدیث و کتب  
 از مصنفات اوست تا آنکه بعد از چندی از درود فقیه آن بلده رحلت کرد و مولانا میرزا عبدالمطلب  
 بالافندی از ماهرین فن جهان فضیله کمالین و علمای محققین بود شیخ ابوالحسن در حاشیه کتاب شرح العقائد  
 آورده که مولانا میرزا عبدالحمید حمید تعالی از فضیله کمالین عارف رفیع جهان از ملامه سلامت بیخ  
 از زمانه است کتاب یا فصل العالی فی احوال العلماء که آن از زمان عبید است تا زمان شیخ که در کتاب  
 و مائة و تسعة عشر و احوال علماء ادرج فرموده و در صیغه الثالثة اشتمل علی دینیه و انما اشتمل و فی الثقات  
 علیه افضل التسیمات و غیر ذلک ما ذکره نفسه فی ریاض العلماء از شیخ ابوالحسن عبید الله  
 الزاهدی الجیلانی شیخ علی ترین و تذکره خود آورده الفاضل الحق السعفی شیخ ابوالحسن  
 عبدالعزیز ابی الجیلانی هم عالیقدر این خاکسار است منظر شوارقی انوار و مویذ بتاب آ  
 کردگار و از نوادر روزگار بود جامع سلو و سینه و معارف یقینیه و عملیه که کلمات صوبه معجز  
 تمیزه و الیه زیاده از خورست متوطن بلده لایحجان و مرجع افاضل گیاره است فضائل و مناقب  
 باسانی و ادانی اطراف و اکناف سیده و نوبهار فیض سرمدی و کل نطق عظیم محمدی از ریاض  
 طبع فیانش و سیده فضائل حقیقیه نفسانیه را با محاسن ظاهریه جمع داشته است و تحریر و تقریرش بسیار  
 و در شرف و الشا و لغز و معانی نظمه و جمیع خطوط بنیادیت خوش و دلگش می نمائست از جمله مصنفات  
 شریفه اش ریاضیه السیة مسی بر این احوال است که کتاب مختلف علاه صلی علیه و آله و ما شیه و  
 موسوم بکاشف الغواشی بر شایسته که تا سوره مبارکه احقاف رسیده و رساله دیگر در لغت  
 کتاب اقلیدس و قصائد غزاد در مدح آل سباء و مرثیه نیکو و در تعریف سید الشهدا و اشعار و بیانات  
 ستوده از ما شریف و قناد ایشان بر صغیر و زکات باقی است در رساله که هزار و یکصد و نوزده و  
 علماء ابقار ترا فرموده و در لایحجان، خوانده چون این واقعه با سفیران رسیده و مرثیه از

زین واقع رنگ لزرخ گلزار فروخت	بلبل دل خون گشته ز منقار فروخت
پمانه سدر شاکشیدی تو و ما را	هوش از سر این ساعوسر شاکشیدی
بیون نفس از لب اعجاز تر نم	بگسته دشتیراز گفتار فروخت
چون گنج تمت تا بدل خاک دفین شد	بام و در گنجینه اسرار فروخت
در ماتم تو ناصب صبح کبود دست	بر صفحه این آتینه زنگار فروخت
بی باد بهار نفست گشت خزان دل	برگ و بر این باغ یکبار فروخت
تا گلشن جان پرور عمر تو خزان شد	در پیرین طاقت ما خار فروخت
بال و پر مرغان چمن گشت شکسته	زین طرفه خزان که بگلزار فروخت

و نیز مرثیه دیگر گفته یک بیت از آن در اینجا ثبت میشود

امروز که از لطمه رخ صبح کبود دست | در ماتم علامه اصحاب شهو است

مولانا صدرالدین علی بن نظام الدین احمد حسنی اسپینی المعروف بسید علیمان المدنی  
از مشاییر ادبا و بلغای عصر و معارف مضافاً و علمای دهر بود و در انشاء نظم و نثر کمال تبحر داشت  
در علم حدیث و روایت شاکر شیخ جعفر بن کمال الدین بخرانی است نسب شریفش بر وجهیست که  
خودش در رساله که در توضیح پنج حدیث از احادیث سلسله اسناد آنها بواسطه آبای او بحضرت سول  
صلی الله علیه و آله می رسد نوشته باین ترتیب که سید علی صدرالدین بن احمد نظام الدین ابن  
محمد معصوم بن احمد نظام الدین بن ابراهیم بن سلام الدین مسعود بن محمد صدر الحقیقه بن منصور  
عباس الدین بن محمد صد الدین بن ابراهیم شرف المله بن محمد صدر الدین بن اسحاق  
عزالدین بن علی ضیاء الدین بن عربشاه زین الدین بن امیر نجیب الدین بن امیر خطیر الدین  
احسن بن جمال الدین بن حسین الغریزی بن علی بن زید الاعظم بن علی بن محمد بن علی بن جعفر  
بن احمد السکین بن جعفر بن محمد بن زید الشهد بن الامام علی بن حسین بن علی بن ابی طالب

صلوات العظیم جمعین و مثل این در سند احادیث کثیر اتفاق شده حدیث سید معصوم از تلامذه  
 ملا محمد امین استرآبادی است و از روایت حدیث دارد پدرش نظام الدین نیز از اهل علم و  
 روایت بود سید علیخان بواسطه پدر خود از جد خود روایت دارد غلام علی آزاد حنفی بلگرامی  
 در تاریخ آثار الکرام آورده سید علی بن سید نظام الدین احمد بن سید معصوم الدمشکی الشیرازی  
 المعروف بسید علی معصوم از مشاییر ارباب و صنادید شعر است مولف انوار الایض فی انواع الیوم  
 و ریاض السالکین شرح صحیفه کامله و حاشیه قاموس و سلفه العصر تذکره شعری عربی یونانی  
 خاندان او در شیراز میت علم و فضل بوده است و مدینه منوره شیراز منسوب بجد او میر غیاث الدین  
 منسوبست که از غایت شهرت حاجت بشرح ندارد و سید علی باضافه نام جد قریب خود سید علی معصوم  
 مشهور گردیده و ایضا در آن تاریخ بعد از کربندی از حالات پدرش میر نظام الدین مسطور است که میر  
 نظام الدین احمد از دفتر قطب شاه فرزند می نیار و سید علی از بطن زوجه دیگر شب شنبه پانزدهم  
 جمادی لالی سنه اثنین جمیع و الف در مدینه منوره متولد شد لهذا او را مدنی گویند و کسب کمال  
 پرداخته سرآمد ارباب عصر گردیده شب شنبه ششم شعبان سنه ست و ستمین و الف بقصد حبه آباد  
 از مکه مظهر برآمد و در جمعه بیست و دوم ربیع الاول سنه ثمان ستمین و الف بحیدرآباد رسید و با والد  
 خود ملاقات کرد و چون سلطان عبدالعزیز بر حیات فرود آمد و اله بحسن که آخرا طمین  
 قطب شاهیست بر پشت فرمانروایی برآمد و میر نظام الدین احمد بعد کمال فوت کرد ابو حسن  
 در املان مستلقان میر نظام الدین احمد کربست و نگار بانان گذاشت راه آمدش مسدود است  
 سید علی عربینه بجناب خلد مکان ارسال داشت و ادراک عتبه سعادت استدعای نمود و خلد مکان  
 در آن ایام از هند متوجه دکن بود فرمان طلب سید علی بنام ابو الحسن عزرا صداریافت ابو الحسن  
 سید علی را با اهل و عیال رحمت داد و سید رخت کوچ بر بسته خلد مکان را در و ارا التور و بر با پور  
 ملازمت نمود با د شاه او را بنایات خسروانی نواخت و به منصب هزار و پانصدی رسید  
 سوار و واسطه سفر فرمود و در رکاب خلد مکان با د رنگ آباد آمد و چون رایات خلد مکان

سید علیخان شری  
 در سال ۱۰۰۰ کورده  
 نظام الدین احمد  
 سید علی معصوم  
 و غلام تقی  
 اخبار خاصه  
 قال نظام الدین احمد  
 فی شرح الدرر البیضاء  
 در اواخر سنه  
 اسما علی بن سید علی  
 بن نظام الدین احمد  
 در اواخر سنه  
 اسما علی بن سید علی  
 بن نظام الدین احمد

جانب احمد نکر ارتفاع یافت سید علی را بجز است او رنگ آباد مامور ساخت سید مدنی برین  
 خدمت قیام داشت پس از آن حکومت ماهور و غیره از توابع صوبه برار تقویض یافت  
 احترام حکومت ماهور استعفا نمود و التماس دیوانی بر ماهپور کرد و درجه پذیرائی یافت سید  
 در بر ماهپور رفته بدیوانی پرداخت و بعد مرد و زبانی از خلد مکان رخصت حرمین شهر بفسین  
 گرفت و با اهل و عیال با ماکن فیض موطن رفت و از آنجا بپارت عبات عالیات شتافت  
 و بمشهد مقدس سید و بصفا بان آمد و سلطان حسین صفوی را ملازمت نمود و التماس کرد که  
 مطمح نظری و دنیا یافت ناگزیر رخت بوطن اصلی یعنی شیراز کشید و در مدینه منوره پامی اقامت  
 افشرد و عمر با فادّه طلبه پایان رسانید و شیخ علی حزین در تذکره خود آورده السید الکبیر  
 والفاضل الفخری صدر الدین التیبه علی خان بزید نظام الدین احمد الحسینی خلف  
 سلسله علیّه عوث الحکامیہ رعایات الدین منصور شیرازی قدس العدر و روح الغریز است که ملقب  
 شده با ستاد البشر و بهمن شمس الظهور و احوال الفاضل اعلام این سلسله علیّه چون صدر الحکما  
 امیر صدر الدین محمد تنگی شیرازی و سید مبارکشاه و میر صیل الدین و میر جمال الدین محدث  
 و غیرهم بر ارباب بصائر مستور نیست موطن اصلی ایشان مدینه طیبه و از آنجا بدر علم شیراز آید  
 سکنی اختیار نمود و صاحب ضیاع و عقار گردید و با احتشام و اعزاز روزگاری و ملازبه  
 برده اند تا آنکه به نظام الدین احمد باز ساکن حجاز گردیده و ولادت با سعادت سید علی خان  
 نشانیهای ایشان در آن مکان با برکت و اعزاز اتفاق افتاده در خدمت والد میر و در خود  
 بحیث آباد و کن ارتحال نمود و چندی در آن مقام با جلال و اکرام گذرانیده الحاق لفظ  
 خان با اسم سامی ایشان بعد از وصلت با ملوک قطیفه دکن و منصب صدارت و امارت  
 و ریاست بعد از چندی با همه تجل و احترام کراهت تمام از ملک بدر آن مقام بجا طریقه علیخان  
 مرحوم راه یافته شوق غم و بجزین طبعین غالب شد چنانکه این حالت از بسیاری اشعار آن  
 سید بزرگوار آشکارست قطع علائق از آن دیار نموده بلکه مکرمه انتقال فرمود و در ظرف احوال  
 قلیل

هر سالی دست بذل ایشان از اسوال بسیار عاری گشته بفرمیت زیارت عتبه علیه غرودیه و مشاهد مقدسه  
 عراق و اشتیاق بو ثاق مالوفه اجداد با کاروان حاج ایران نجف اشرف آمده شرف ادراک  
 آن سعادات یافت پس ارضای عنان بصوب دار السلطنه اصفهان فرموده اشرف و  
 اعیان و اکابر و سلطان مقدم او را با کرام و اعزاز تلقی نمودند را هم حروف دران بلدة فاخره  
 با آن سلاله عزت طاہره صحبت های مستوفی داشته عمده محبت و وفاق در میان استحکام تمام  
 یافته بود آخر بشیر اندر رفته بعد از فرصتی اندک داعی حق را بیک اجابت نموده در جوار مرقا اجداد  
 خود امیر صدرالدین محمد و امیر غیاث الدین منصور برورد و روح الله اسرار ابرام گاه یافت  
 و بفر در مشیه آن او حد زمان قطعه عربی که متضمن تاریخ بود و انشاء نمود از ضعف و اندراس جوان  
 بخاطر نموده و تعین تاریخ نمی تواند نمود با بجمله سید عالم بقدر در علوم عربیت امام اعلام و در بلاغت  
 نظماً و نثر آینه ای المرام و اقصی المقام اعوام ارتقا نموده اعوام و دهور انقضا یافته که در  
 عرب شاعری چون او بعرضه ظهور نیامده بود و در انواع دیگر علوم نیز وسیع الباع و بدقت  
 طبع وجودت ذهن فرید صقل می نمود چنانکه این مراتب از آثار اعلام آن امام شامل  
 کتاب بدیعیه و سلافه و شرح صحیفه کامله که در موقع خود بی نظیر است و دیوان اشعار بلاغت  
 او کالناد علی العلم والنور فی الظلمه روشن بود است انواع رائقه و استعارات فائده در اشعار  
 دیوان رفیع بیان او که بحری است لبالب از لالی ابدار و در جی است مملو بواقیت گران مقدراً  
 مندرج است و الحق کلامش در فصاحت و بلاغت و عذوبت سلامت بذروه علیا و غایت  
 قصوی رسیده سوادند او شریل انفعال بر چهره مقال اکثر بلغای عرب کشیده و چون تجلم فارسی  
 التفات فرموده درین ارتجال و ضیق مجال بچند بیت از اشعار آن گرامی مقدار که ذخیره  
 خاطر فاتر بود اکتفای نماید در قصیده باینه در مدح سرور او یا علیه التحیه و الثناء فرموده و قصیده

امیر المومنین فدایک	نفسی
تو کاک اولی سعد	افقیا
لنا من شانک العجب العجاب	و ناوالک الذین شقوا فحبا بوا



<p>         لو جهك ساجد زولم يجابوا          ووجه الله لو رفع الحجاب          سمعت عن ان يجلتها سحاب          ولو بيصرة اعى العين عاب          محمد النبي المستطاب          اليك وانت علت انتساب          ولو لا انت لم يخلق تراب          يعاقب من يعاقب ويثاب          وانجيل بن مرير والكتاب          ومن قوم لدعوتهم اجابوا          فضلوا عنك ام خفى لصاب          وهل في الحق اذ صدع ارتيا          نصيب في الخلافة او نصاب          على رعم هناك لك الرقاب          وان اضحى له الحساب للباب          وهو سياتر ان حضروا وغابوا          فبالاشقين ما حل لعقاب          فكنت لبدل تنجحه الكلاب       </p>	<p>         ولو علم الوتر ما انت اضحوا          بين الله لو كشف اللفظ          خفيت على العيون وانت شمس          وليس على الصباح اذا تجل          لسيما د عاك ابا تراب          فكان لكل من هو من تراب          فلو لا انت لم يخلق سما          وفيك وفي ولائك يوم حشر          بفضلك فصحت تورته موسى          فبا عجبنا لمن ناواك قد ما          ازاعوا عن صراط الحق عمدا          ام اردنا بوابا لا ريب فيه          وهل لسواك بعد عدا يرخم          المر جيتك مولا هو فذات          فاه يطع البهاها ستم          من شيرين مزة او عدت          لئن جحدوا لك حقك عن شقا          فكم سيفهت عليك حلوم قوم       </p>
--	--

وور مقابل قصيدة مشهورة خاتمة المجتهدين شيخ بهار الدين محمد ووالدش شيخ

حسين بن عبد الصمد عالمي قدس السداد واهم كفته

كوكب الصبح قد بدا بحكيك فامزج الكاس بارشامن فيك

الى آخره از جمله مصنفات اوست كتاب سلافة العصر في محاسن اعيان العشرة مثل مرتبة كرمه  
 شعراى عرب و ادبى عصر خود كه در ماه جمادى عشر بهر سیده اند و شروع تصنيف آن  
 سال هزار و هشتاد و يك هجرى است و كتاب رياض السالكين شرح صحيفه حضرت سيد  
 الساجدين عليه السلام كه در ابتدای زمان سلطان حسين صفوى مرحوم در سال هزار و يكصد و  
 شش هجرى تصنيف فرموده و كتاب انوار البیج في انواع البدیع و شرح بدیعیه كه خود نظم  
 كرده و كتاب حدائق نديه شرح فوائد صمدیه و كتاب ساوة الغریب و در غرائب سجا و عجائب  
 جزائر و رساله الكلم الطيب و النیب الصیب مثل برادعیه مختصره و احراز منجبه و كتاب المذرجات  
 الرفیعیة و دیوان اشعار و رساله در توضیح احادیث خمسه مسلسله بالابارتا بیج ختامش سبت و پنجم  
 بیج الاول سنة تسع و مائة و الف است الشيخ محمد بن عبا و البحر اترى صاحب مل آل و را  
 بعابد فاضل ستوده و در زمره معاصرین خود شمرده مولانا محمد صادق الكری پاسے  
 الاصفهانی الهدائی صاحب شذ و العقیان او را با فاضل كامل و عابد زاهد و روح صالح  
 ستوده و گفته كه اخوند ملا محمد تقی مجلسی مرحوم در سنه ثمان و ستین بعد الالف اجازه بنام ملا  
 موصوف بظهر صحیفه سجا و یہ تحریر فرموده در آنجا میفرماید بلغ المولى الجليل و الفاضل النبیل  
 جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول مولانا محمد صادق ادا م الله  
 تائیداته بقرائنی علیه فی مجالس واجزت ان یروی عنی زبور ال محمد و انجیل  
 اهل البيت علیهم السلام باسانیدی المتواترة الى السید الاجل الشیخ الطائفة  
 اعلاها مناولة عن خليفة الرحمان فی الرؤیا التي ظهرت حقیقتها باسناد  
 الصحیفة فی الافاق بعد اصادت هجرتی الى اخوة مولانا الشیخ محمد بن احمد  
 بن رضا فاضلی خیر و عالمی نحر بر اوصحاب رجال دار باب کمال و تمیز رشید جناب شیخ حرعاش  
 علیه الرحمه بود و در تذکرة العلام مسطور است كه از افاضل ملازمه شیخ حرعاش است شیخ محمد  
 الدین احمد بن رضا مصنف كتاب فائق المقال فی الحدیث و الرجال و دیگر كتب مسائل

وی در سال یک هزار و هشتاد و پنج هجری که تاریخ ختم کتاب فائق المقال است وارد بلده حیدرآباد  
 شده بود دوران کتاب تقریب ذکر ماقظه بعض محدثین اشاره بعض احوال خود نمود چنانکه  
 گفته است که من تا این زمان دو از ده هزار حدیث بغیر سلسله اسانیدش در حفظ خود دارم  
 و یک هزار و دو صد حدیث مع سلسله سندهای آن یاد دارم و سبب ابتلای خود بصحبت ملوک  
 و کوشش برای عیال و ارتکاب سفرهای بعیده و تواتر امراض و مصائب و آلام عدیده  
 از تحصیل کمال زیاده ازین قاصر ماندم و اگر در بلاد عرب باقی می بودم شخصی کامل میشدم  
 لکن قضا و قدر مرا در زمین هند انداخته است انتهى کلامه رحمه الله و دیگر از نصایف است  
 کتاب منج القوم و رساله در قرارت و غیر ذلک من الرسائل مولانا محمد مؤمن بن  
 الحاج محمد قاسم البخرازی جبرثما و محمد الشیرازی مسکنا و مولد افاضل  
 ادیب و محقق لیب بود در کتاب اهل اهل مسطورست محمد مؤمن بن الحاج محمد قاسم  
 البخرازی اصلا و محتلا الشیرازی منشا و مولدکان ادیبان مشا محققان قفا  
 فاضلا کاملا لخبزانه الخيال فی کادب مرمومین موصوف در کتاب طیف الخيال  
 بتقریب ذکر اساتذ و خود آورده که بسیاری از علم صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و فقه  
 و تفسیر و حدیث را از سید سند مولانا سید قاسم بن سید خیرالدین حسینی اخذ نمودم و لغت و فروع  
 فقه و اصول آنرا از امیر زین العابدین حاتری انصاری و از استاد علم و ملاذ اعظم ذالاصول اساتذ  
 و الفرع العالی النامی شیخ علی بن محمد التامی از عالم ربانی شیخ صالح بن عبدالکبیر البخرانی و  
 بسیاری از کلام و حکمت طبعی و الهی و قدری از تفسیر و دیگر عقوبات را از مولانا مسیح الزمان  
 محمد ایل فسوی و از علامه اوحد مولانا شاه محمد اصطبغانی صلا و مولد الشیرازی مترجمان مولانا  
 و بسیاری از فنون ریاضیه و فن رمل و فرائض را از مولانا لطف و اکثر اصول فقه و حکمت را از امیر  
 شرف الدین علی معروف بدست نجیب و امیر نصیر الدین محمد البیضاوی الشیرازی و مولانا  
 محمد صالح الحنفی و مولانا محمد حسین المازندرانی مولد او الشیرازی مسکنا و فن طب علم

وعلی را از حکیم حادق و بقراط عصر حکیم محمد ادرسی اخذ نمودم از جمله مصنفات اوست کتاب <sup>چهار</sup> جلدی در مسائل  
 الخوییه فی شرح الصمدیه البهائیه و آن ششمی است مبسوط که قبل بلوغ حد تکلیف تحریر فرموده و  
 کتاب در منشور مشتمل بر حواشی مدونه است بر شرح مزبور و کتاب بیان الاداب در شرح  
 رساله آداب المتعلمین و کتاب مصباح المبتدین از ترکیب رساله انموذج علامه زنجانی  
 مشکوة العقول شرح لغزبه الاصول قره العین و سبکة اللجین مشتمل بر توجیه آیات مشکوة واحاد  
 غریبه و اصوله و اجوبه علیه و حل آیات و عبارات و ذکر معالطات منوره و منظومه و الناز  
 و معیات و فوائد متفرقه تاریخ اتماش سنه یکزار و یکصد و یک هجری است کتاب وسیله التفریح  
 بر و تیره قره العین مینیه الفواد بر طریق کتاب سابق تحفه الاخوان فی تحقیق الادب ان تعلیقاً  
 متفرقه بر اکثر کتب درسیه متداوله تحفه الغریب و نخبة الطیب در شرح قانونچه تحفه الاحبار  
 بر و تیره کاشکول تیسره الفواد من المبعاد در لطائف اشعار و نوادر عشاق رساله موسوم به سخبات  
 عدن مشتمل بر مسائل از فنون ثمانیه کتاب مشرق السعدین در تاویل آیات مشکوة واحاد <sup>بعضی</sup>  
 و آن کتابیست مبسوط و کتاب مجمع البحرین بر و تیره کتاب سابق دیوان شعر عربی موسوم  
 بثمر الفواد و سمر البعاد ثمره الحیوة و ذخیره الممات مشتمل بر شرح چهل حدیث و از عمده مصنفات  
 اوست کتاب مجالس الاخبار و مجالس الاخیار مشتمل بر هفت مجلد اولی سمی به معارج القدس  
 در تواریخ انبیا و بیان عصمت شان و تاویل آیات ظاهره در باب خلاف آنی و جلد ثانی  
 موسوم تحفه الابرار فی مناقب الائمة الاطهار و جلد ثالث در احوال ملوک و غیرهم که  
 به بحر المعارف و جلد رابع در ذکر بعض اولیاء و علماء و شعر اسمی بر بیج الابرار و جلد خامس در  
 احوال خود و مؤلف رسول نوح عمری و نوادر او موسوم به زهره الحیاة الدنیا و جلد سادس <sup>چهار</sup>  
 سه صد حدیث موسوم بروح الجنان جلد سابع در فوائد متفرقه اکثر علوم و فنون <sup>بسی نظایر</sup>  
 و کتاب جنات الفردوس در اصطلاحات علوم و عبارات و کتاب طرب المجالس و لغات  
 و مداعبات و کتاب زینة المجالس بر طریق کتاب سابق کتاب باودة الحیاة و آن کتابیست

مبسوط در تاویل بعضی آیات و احادیث و عبارات مشککه و قصص لطیفه و اشعار شریفه  
 کتاب مدینه العلم مثل کتاب سابق در اسلوب و نظم و کتاب طیف الخیال فی مناظره العلم  
 و المال و کتاب تجرید طیف الخیال فی تشریح مناظره العلم و المال مشتمل بر شرح مبسوط کتاب  
 طیف الخیال مؤلف گوید که صاحب تذکره العلماء احتمال اتحاد محمد مومن موصوف با سید  
 محمد مومن استرآبادی صاحب کتاب الرجعت تلمیذ سید نورالدین عاملی در تذکره خود نوشته لهذا  
 احوال مصنفات محمد مومن موصوف در ذیل سید محمد مومن مؤلف کتاب الرجعت آورده  
 و این قطعاً فاسد و غیر صحیح است و خود صاحب تذکره هم اشعار باین مطلب کرده و بالبرهان  
 و این تردد در غیر محل است مولانا میرزا حسن بن عبدالرزاق اللاهی از افاضل عصر  
 و علمای عهد خود بود و علی حزین در سوانح عمری خود بتقریب ذکر کسانی که در اثنای سفر گیلان  
 و اصفهان با ایشان ملاقات نموده آورده و از افاضل و اعلام که در آن سفر ملاقات  
 شده فاضل محقق میرزا حسن خلف مرحوم مولانا عبدالرزاق اللاهی است در دارالمومنین قم که  
 مولدش بود و درین کمالت و ادب و اخراجات سعادت خدمت ایشان یافته ام در علم و تقوی  
 ایجاب و مصنفات شریفه و در چون شمع یقین در عقائد دینی و جمال الصالحین در اعمال و رسالت  
 فقیه و غیر آن انتی دیگر از مصنفاتش رساله ایست موسوم به هدیه المسافر در احکام سفر و رساله  
 فارسی در بیان اصول دین است معروف به اصول خمسہ اقا محمد باقر بن محمد صالح  
 المازندرانی در اجازه ملا حیدر علی مسطور است فاضل علامه اقا محمد باقر بن محقق  
 ملا صالح مازندرانی صاحب تصانیف کثیره است مثل شرح قواعد که کتاب است مبسوط و  
 شرح فروع کافی و ترجمه معالم الاصول و حاشیه بر تفسیر میضاد و شرح شافی فارسی و کتاب  
 انوار البلاغه در علم معانی و بیان و غیر ذلک که رساله فی الرضا عتق علی الف بیت  
 کما فی سلفه العصر علی حزین گوید که بسیاری از کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی علیه السلام  
 در مدرس محدث الزمانی آقا باقر خلیف مولانا محمد صالح مازندرانی استقاوه نمودم

محمد سعید بن ملا صالح مازندرانی در تذکره پهلوی حوزین مسطور است که ملا محمد سعید را شرف  
 خلف فاضل محقق مولانا محمد صالح مازندرانی در سیه زاده قدوة الفقهاء والمحدثین مولانا  
 محمد تقی مجلسی اصفهانی است اکتساب علوم و کمالات نموده و در هدایت طالبان شعر و شاعری  
 زنجبت نمود طبع رسا و سلیقه بسوزن اشنا داشت اشعار خوب و معیات مرغوب از آن مغفور  
 بیادگار است در تذکره نتایج الافکار مسطور است که رنگ بخش گلستان نکه دانی ملا محمد سعید  
 اشرف پسر ملا محمد صالح مازندرانی فاضلی عالی مقام و شاعری خوش کلام بود مجمل احوال آنکه  
 ملای موصوف در آغاز عهد عالمگیر با دشا بهند آمده بلا زمت شاهی رسید و بتعلیم زبان الفبا  
 مانور گشته بدنی بفرانجهائی گذرانید آخر حجب وطن مسنول گشت و قصیده در بحر زبیر النسا مشتمل بر  
 خواست زحمت نظم آورد در آنجا میگوید **س** یکبار از وطن نتوان برگرفت دل  
 و غیرتم اگر چه فزون است اعتبار پیش تو قرب بعد تفاوت نکند گو خدمت حضور نباشد مرا شعاع  
 نسبت چو باطن است چه پهلوی چه اصفهان " دل پیش است تن چه بکابل چه قندار " در سنه  
 ثلث و ثمانین و الف باصفهان عود نمود که بت و گیر قادر روزگار زمام اختیارش جانب بند  
 کشید و در عظیم آباد چینه بند مت شاهزاده عظیم الشان خلف شاه عالم بهادر شاه که در آن زمان  
 رایت حکومت آنجامی او داشت عز امتیاز اندوخته مورد مرحوم نمایان گردید شاهزاده خلی طرف  
 مراعات او نگاه می داشت و بنا بر کبر سن در مجلس شوخ و حکم نشستن کرده بود ملا و در پایان عمر تصد  
 بیت الله کرده و خواست از راه بنگاله در جهاز نشسته عازم منزل متصفو شود و قاناتا بلده مولود  
 که از توابع عظیم آباد است رسیده در سنه ست و شروانه و الف ب رحمت حق پیوست از کلام او هست  
 اشرف تو کیت نکه دانی رانی " اسرار رموز جاودانی وانی " اهر چند که مانند واری و خشت  
 در شیوه تصویر بانی مانی مولانا شیخ سلیمان بن عبد العزیز علی بن سنان  
 احمد بن یوسف بن عمار البحرانی الماحوزی المعروف بالحقیق الهمز است  
 و تولوۃ البحرین مسطور است که مولود مسکن شیخ سلیمان فرزند شیخ بود که از قرانی ثلث ما حوزت

لکن او در قریه بلاد قدیم از بحرین ساکن شد و بمانجا وفات یافت سیاست بلاد بحرین در زمان او  
 بسوی او منتفی شد و شیخ مذکور را دیده ام در وقتیکه بعبره ساکنی با کتربوم و ایضا شیخ یوسف  
 آورده که بخط شیخ سلیمان مذکور یافته ام نوشته بود که ولادت من در شب پانزدهم رمضان  
 سنه یکزار و هفتاد و هجری واقع شد و قرآن مجید را در عمر هفت ساکنی حفظ کرده ام و چون ده ساله  
 شدم شروع تحصیل علوم نمودم و پیوسته مشغول تحصیل و کسب کمال بوده ام تا وقت تحریر  
 این کلام که سنه یکزار و نود و نود و هجری است انتهى و ایضا آورده که تلمیذ من شیخ عبدالمدین  
 صالح بحرانی گفته است که شیخ مذکور در حفظ علوم و وقت نظر و سرعت جواب در مناظر آ  
 و طلاق لسان اعجوبه زمان بود گاهی مثل او احدی را ندیدم و ثقه و ضابطه در نقل احادیث  
 و پیشوای عصر و یکنامی در هر خود بود جمیع علمای زمان او ندان علم او نمودند و سایر حکمای و  
 اقرار بفضل او و از جمیع علوم و علامه جمیع فنون و حسن التقریر و عجیب التحریر و خطیب  
 و شاعر و فصیح الکلام بود و باینمه غایت انصاف را کار می فرمود و اعظم علوم او علم حدیث  
 و رجال و تواریخ بود شیخ عبدالمد مذکور گوید من تحصیل علم حدیث از او نمودم و نسبت تلمذ  
 بخد مت او داشتم از مرتبت نمودم و مقرب خود گردانیدم و بخد مت خود جاداد او از جمله اقران  
 من مرا اختصاص بخود بخشید و فاتش در هفتم ماه رجب سنه یکزار و یکصد و بیست هجری  
 در مسکن او که قریه بلاد قدیم از بحرین بود واقع شد و حالیکه عمرش قریب به پنجاه سال بود و او را  
 از انجا بسوی قریه دویج باحیم بعد النون که از قریه های ناحوز باحار المهله و الزار البعجه از بحرین  
 نقل کردند زیرا که او از اهل آنجا بود و در مقبره شیخ یثیم بن المکلی که جد شیخ یثیم بحرانی بود مشهورست  
 دفن کردند و باز شیخ یوسف بحرانی میفرماید که باعتبار فاصله میان تاریخ ولادت شیخ سلیمان  
 و تاریخ وفاتش که مذکور شد ظاهر میشود که مدت عمرش چهل و چهار سال و ده ماه تقریباً بود پس  
 تلمیذش که مدت عمرش قریب پنجاه سال گفته است مشهور کرده است و بر تاریخ ولادتش مطلع نبوده  
 و شیخ سلیمان مذکور شاعر خوب بود و اشعار بسیار متفرق در پشت کتابها و مجموعها در کتاب خود

زهار الیه یا ض نوشته است و مرثیای خوب در مصائب حضرت امام حسین علیه السلام گفته  
 من در صغر سن خود بسیاری از آنرا جمع کرده بودم لکن در وقت خراب شدن بحرین بآدم  
 غواج ضائع شد و جمعی از فضلا داخل تلامذه شیخ مذکور بوده اند که مشهورترین ایشان والدین  
 شیخ احمد و شیخ عبدالمدین حاج صالح بحرانی استادین شیخ حسین باحوزی و شیخ اوحد امجد اواده شیخ  
 محمد بن شیخ عبدالمد بلادی بودند که احوال ایشان خواهد آمد انشاء الله تعالی و ایضا شیخ  
 یوسف بحرانی آورده که شیخ سلیمان مذکور چندین تصانیف دارد لکن بسیاری از آنها رساله<sup>ست</sup>  
 که بعضی از آن ناتمام مانده و بعضی با تمام رسیده و از آنجمله کتاب جہل حدیث در امامت از روایات  
 عامه است که از بدترین تصانیف اوست و آنرا بنام سلطان حسین صفوی تصنیف کرده بود  
 دیگر کتاب از زهار الیه آن که بمنزله لکثول و سه مجلد است و کتاب فوائد نجفیه که بسیاری از آن  
 مشتمل بر رسائل مختصره سابقه محاشی متفقہ اوست و کتاب عشره کامله متضمن ده مسئله از  
 اصول فقه که دلالت بر تصلب دست او و طرفیہ مجتهدین دارد لکن از چندین فوائد متفرقه  
 متاخره او مفهوم میشود که بعد از آن میلی بطریق اخبارین بهرسانید دیگر کتاب الشفا در حکمت نظریه<sup>ست</sup>  
 در رساله در نماز و رساله در مناسک مختصره حج و رساله در احکام آب چاه سمنی بنفحة العیر فی طهارۃ البیر  
 و رساله ثانیه در مناسک مختصره حج و رساله ثالثه در مسائل خلافیه در مناسک حج و رساله اقامۃ الدلیل فی  
 نصرۃ الحسن بن عقیل در عدم نجاست آب قلیل در رساله در وجوب صنی نماز جمعه و آنرا از راه نقض  
 بر رساله بعض فضلا که نماز مذکور را در زمان غیبت جائز نمیدانستند تصنیف کرده و کتاب المعراج در  
 شرح فهرست شیخ طوسی لکن ناتمام مانده و تا باب التاء تصنیف شده و رساله البلغہ و احوال حال  
 بر طریق رساله وجیزه مولانا مجلسی است و رساله در علم منطق و شرح آن رساله در تحریم عوطه زدن بر صائم و عدم  
 نقض صوم و رساله در نجاست بوال سب و خرد و شر و رساله در وجوب طهارت لیسر یا خصوصاً غسل  
 جنابت یعنی از برای نماز واجب و امثال آن واجب میشود و رساله در فضیلت شجاعت اربعه بر حمد در رکعت سوم چهارم  
 در رساله در شرح خطبہ استقا و رساله در تعریف رساله فارسیه مشتمل بر ذکر چهار مسئله که در روایات مخالفین است و رساله



و تحقیق نگه نهادن پیشانی جزوی از سجود است و آنرا در معارضه شیخ محمد بن ماجد ره تصنیف کرده  
 و رساله در مسئله طلاق غائب و رساله در بیان آنکه نیت مومن بهتر از عمل اوست در رساله  
 و سبب تسایل علماء در تخریر اوله امور مستحب و رساله صواب التذکره در مسئله بد آنکه ناتمام مانده در کتاب  
 و مسئله استقلال پدر بولایت و نکاح و خست بر بالینه رشیده و رساله ثانیه در مسئله بد اسمعیل علام  
 و رساله در جواز تقلید و رساله ذخیره الحث و ذکر فساد نسب عمر و رساله نکت البدیعه و ذکر فرقتا  
 شیعه و رساله در اعراب ببادک الله احسن الخالقین و رساله در اسرار صلوة و رساله در تجارت  
 و رساله در فرعه و رساله در احکام صوم و کتاب شرح باب حاوی عشره که ناتمام است و رساله در وجوب  
 غسل جمعه و رساله در مسئله چاه و بالونه و رساله در علم خود رساله مقامه واجب رساله در معجزات  
 و الفارسی بحال الامجاز و رساله در بیان مسائل اربعه تا تشریح از اول اوقات شنب است و آن  
 رساله خوب و سخی بناظره اثبات است رساله الشبیه و ذکر برگردیدن آفتاب از برای حضرت امیر  
 و رساله در مسئله وقوع حادثه در اثنای غسل و رساله در تخریر تسمیه حضرت امام زمان علیه السلام  
 و رساله در مسئله تعلیم علم نجوم موسوم به مکتوم و رساله در کفر اهل کتاب و نصاب که ناتمام است و  
 کتاب هدایة القاصدین الی عفاة الذین و رساله سخی بضم النهار و کتاب شرح مفتاح الفلاح  
 و کتاب شرح اثنا عشر شیخ بهائی علیه الرحمه ناتمام و رساله سخی بملافه البیهة فی الذخیرة المیشیة که در آن  
 بعضی احوال شیخ بهیم بخرانی ذکر نموده انشی پس بعد تصانیف مذکوره به پنجاه و هشت برسید  
 و ایضا شیخ یوسف آورده که بسیاری از رسائل مذکوره ناتمام است و بعضی از آن از مسووقه بیجا  
 نرسیده و شیخ سلیمان مذکور از استاد خود فقیه نبیه شیخ سلیمان بن علی بن راشد بحرانی شانه خوری  
 هم از شیخ احمد بن محمد بن یوسف خطی و در انشاء امر محمد باقر علیه و شیخ محمد بن ماجد من مسووقه خور  
 و سید اشرف بن سلیمان توملی و شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی روایت داشت مولانا شیخ  
 علی بن اسحاق حسن بن یوسف البلادی البهرانی از معاصرین شیخ سلیمان سابق الذکر  
 در بولوة البحرین مسطور است که شیخ علی بن حلیل بود و خصوصاً در عربیه و مقولات مهارت

سلیمان بن سلیمان  
 بلادی البهرانی

بسیار داشت و درین و امام زین العابدین و جعفر صادق و ابان و عثمان بن عفان و ابان بن عثمان  
 داشت و معاصر شیخ سلیمان مذکور بود و معارضه با او در دعوی فاضل داشت چنانکه مادت علما  
 معاصرین یکدیگر است در اعصار لکن شدت میان سید و غیر شیخ سلیمان را بود پس شیخ حسن له  
 شیخ سید مذکور و همچنین جدش شیخ یوسف فاضل بابل بقدر بود در اهل اهل بساورد  
 که شیخ حسن بن یوسف بحرانی با پدری فاضل شیخ و شاعر ادیب از معاصرینست و در بلاد البصره  
 مذکور است که قبر شیخ یوسف جد شیخ علی مسعود در رتبه بلاد بصره شده واقع است و در حکایت  
 حکما صائمه فی سقوط داس المناجی قبری طاب ثراه شیخ داود بن سید بحرانی  
 البحرانی منسوب است بسوی قریه جزیره فاضل از زای عمه و سکون فاضل از زای عمه از زای  
 بحرین که بجزیره صالح مشهور است و در لونه سطور است که شیخ داود مذکور کتاب تبارکشتی  
 که از تالیفات شیخ طوسی در علم رجال است بر ترقیب ردیف مرتب است و در کتاب شیخ  
 عبدالمعین صالح بحرانی گفته که شیخ داود صالح و ادیب و صحیح الاعتقاد بود و تخلص از بحرین  
 ابلت علیهم السلام داشت و کتاب اختیار الکلی و رجال نجاشی را بر حروف تخی و هم کتابها را  
 را مرتب نموده و از تصانیفش رساله در مسائل دین و رساله در تخریم حق است لکن و لائل نه جانش  
 محکم نیست و با بجز شیخ مذکور نیکو کار و صالح بود دیگر آنکه فوت استدلال و تصرف و ترویج اقبال داشت  
 و او کتابهای بسیار بدست خود نوشته و در رساله که در قریه جزیره بنا که او بود و نعت نمود و سائر  
 کتابهای موقوفه این بخط او و بخط غیر او قریب چهار صد کتاب بود و او اسد پسر فاضل السار بود  
 یکی شیخ علی که ابرایشان بود دوم شیخ حسن سوم شیخ صالح چهارم السید معالی و پنجم بدایه مذکور  
 میفرماید که شیخ علی بن شیخ داود مذکور پسر بی دار که معاصرین است شیخ داود و سلم و نعلن خصوصاً  
 در عربیت از پدر خود و هر دو علم خود از نسل است و نعت و در اول صالح است و قبر شیخ داود بن  
 حسن و همچنین قبر پسرش شیخ علی در حجره سنای زو کاه بی صالح قریه جزیره واقع است و شیخ  
 یوسف بحرانی گوید که داود بن شیخ علی که اسامی مذکورش نموده است هم با من معاصر بود

و بوصف نفع و عدالت و نیک نفسی و حسن اخلاق متصف بود و اثنی کلام شیخ احمد بن صالح بن  
 حاجی بن علی بن عبد الحسین بن شنبه البهرانی الدرزی در توفه البحرین مسطورست  
 که نسبت شیخ احمد مذکور بعض اجداد من متصل میشود شیخ احمد عالم صالح زاهد بود و بعد او وفات  
 شیخ جعفر بن کمال الدین بخرانی که در بلاد کن و حیدرآباد مرجع خلافت بود شیخ احمد مذکور  
 در آن بلاد قائم مقام او شد تا آنکه عالمگیر اورنگ زیب بادشاه بران بلاد فتح یافت پس امر نمود که  
 هر گز ده را با مقدم در رئیس ایشان از آن بلاد بیرون کنند پس شیخ احمد مقدم و رئیس گروه علمای  
 آنجا بود و بادشاه مذکور هزار و دویست و پانجاه نفر را برای او فرستاد پس شیخ مذکور کج بیت العدر رفت بعد از آن  
 بسوی ولایت عجم مراجعت فرمود و در بلده چهرم که از توابع شیرازست توطن اختیار نمود  
 و او در زهد و ورع و تقوی و امر معروف و نهی از منکر بدرجه غایت رسیده بود و امامت  
 نماز جمعه و جماعت داشت و متصف بسجاوت و کرم بود و بال خود بر مهمانان ایتام میفرمود  
 و خانه او غالباً از جماعت غربا و مساکین مسافرن خصوصاً از اهل بحرین خالی نمی ماند و بوقت  
 ذکر شد اند آخرت غمش و بیهوشی لاحق حال او میشد شیخ یوسف بخرانی میفرماید که مکاتبات او  
 بسوی پدرم در بحرین بجهت بعض مطالبی که در آنجا داشت میرسد از تصانیف اوست کتاب  
 الطب الاحمدی که نزد من موجودست و همه اش در علم طب بطریق روایتست دیگر  
 رساله در استخاره است و فائش در ماه صفر سنه یک هزار و یکصد و بیست و چهار هجری  
 واقع شد سال ولادتش چنانکه بخط او نوشته دیده ام سنه هزار و هفتاد و پنج هجریست حساب  
 تذکره العلماء بعد نقل این عبارت شیخ یوسف آورده که پنجم شیخ یوسف آورده که شیخ احمد مذکور در حیدرآباد  
 تا تم مقام شیخ جعفر بن کمال الدین بعد از وفاتش بود و خالی از غایت نیست زیرا که در احوال شیخ جعفر مذکور سابقاً  
 مرقوم شد که وفاتش در سنه هزار و هشتاد و هجری اتفاق افتاد پس بنا بر تاریخ ولادت شیخ احمد  
 بن صالح که در اینجا مذکور شد ظاهر میشود که او در وقت شیخ جعفر مذکور بیست ساله تخمیناً بوده باشد  
 سبب اینگونه دانستن وقت در سایر امور مرجع آن ملا شده باشد گر آنکه مراد آن باشد که بعد از آن

شیخ جعفر بن کمال الدین بغاصله چند سال شیخ احمد بن صالح در زمان مرجعیت خود قائم مقام او گردید و الله بیکم از بعضی تواریخ ظاهر میشود که فتح یافتن عالمگیر در حیدرآباد و رسیده کبیر و نود و هشت هجری بود پس اینجا بنا بر تاریخ ولادت شیخ احمد بن صالح مذکور ظاهر میشود که شیخ احمد در آن زمان بست و سه ساله بود و الله العالم بحقیقة الحال جمال المحققین مولانا آقا جمال الدین بن آقا حسین بن جمال الدین محمد الخونساری از محققین زمانه و مدققین یگانه بود و فضائل جمال و کمال علمش بر السنة جمهور و در کتب جالیه مسطور است با بجملة جناب او مرجع علماء و فضلا و لمجا و ملاذ خاص و عام بود تکمیل علوم و فنون از حضرت والد ماجد خود علامه آقا حسین خونساری و از اخوند ملا محمد تقی مجلسی رضوان الله علیهما فرموده و باقصای مراتب اجتهاد و اعلاى مدارج صلاح و سداد فائز شد همواره پدرش افاده اشتغال داشت از مصنفات شریفه اوست حاشیه شرح لعمه که بهترین حواشی است نظیر ندارد و حاشیه بر کتاب خفری و تعلیقات و حواشی بر کتاب شرائع الاسلام و حاشیه شرح مختصر الاصول معضدی که صاحب وضه بیه در وصفش آورده و له حاشیه شرح مختصر الاصول للمعضدی مشتمل علی تحقیقات لم یسبق الیها احد مذهب منقح تحقیق ان یکنب بالنبو علی صفحات و جنات الحو باز گفته و هذا الی غیر معروف بالتحقیق و تنقیح المطالب الصواب فی المسائل و قلة الخطاء و الزلل کثیرا لا اشتغال بالتصنیف و التالیف و التدریس و از تلامذه آنجناب جماعتی از علمای مجتهدین و فضلاى کاملین انداز انجمه آقا محمد اکمل اصفهانی و آقا باقر بهبانی و هم از آنجناب روایت داشته و از انجمه فاضل کامل ملا محمد بن فرج معروف بلا رفیع مشهدی و از آنجناب روایت داشته که ذاقیل و دیگر از علما اند که ذکر آنها در اینجا خوب تطویل است و در کلام کلی از شعراى عجم متخلص بفتح تاریخ و فاشس چنین یافته شد قطعه تاریخ

امروما نرا حکمت العین از نظر شد نا پدید | شد شفای یار از مجور سے آقا جمال

بی قواعد گشت مفتح الفلاح ایل فضل | شد جمال لصا سعیر محقق ز چشم ایل حال

داشت کافی از کلام و آیه شریح اصول	مشرق اشمین دانش بود آن نیکو خصال
رفت چون در ماه صوم آن آفتاب ز شهر علم	باز کرد ابواب جنت ابرویش و ابجلال
سال فوئش ابفتاح اتقی از غیب گفت	کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال

بنابرین ظاهر میشود که آقای موصوف در ماه رمضان سنه احدی و عشته بن و مائة و الف و فاست یافت رحمه الله تعالی مولانا شیخ جعفر القاضی از مشایخ علما و اعظم فضلا بود و از تلامذه استاد العلماء آقا حسین خونساریست کافی التروضة البهیه ملاحظه ر علی در احوال آقا حسین موصوف آورده که شیخ جعفر قاضی اصفهان که عالم و فاضل و مصنف حواشی بر شرح لعه بود زور و ایت داشت و شیخ علی حزین در سوانح عمری خود آورده که فاضل میر و شیخ جعفر قاضی و می از مشایخ بلده کرده و از اعظم تلامذه استاد العلماء آقا حسین خونساری و جامع فنون و علوم بود در مدرس او جمیع کثیر از فاضل استفاده میکردند و روزگاری بغزب و احتشام داشت و بمنصب شیخ الاسلامی رسید و آن شغل خطیر را بنج ستوده تقدیم کرد و از وفور مهارت که در امور ملکی و قوانین معاشرت داشت بوزارت اعظم نوید یافت بعضی امرای سلطانی که در پایه آن منصب بزرگ بودند در شکست کار او کوشیدند و با دوشاه را ازان اراده و رگزارانیدند و رسن کهوت در گذشت و در حاح حسین علیه السلام مدفون شد چون باو ادمر حوم مودت و الفت تمام داشت مکر رفیق بخدمت ایشان رسید مولانا شیخ علی بهاد شیخ جعفر قاضی باضی ست شیخ علی حزین در سوانح عمری بعد ذکر شیخ جعفر برادرش میگویی دیگر برادر کتیر ایشان شیخ علی ست او نیز در سلک فضلا بود و بعد از برادر خود بچند سال در گذشت المحقق المدقق الصدقانی میرزا محمد بن حسن الشیروانی الشیرانی بیاد میرزا عالم و سیح الصدر و فاضل طلیل القدر بود و از ارشد تلامذه استاد العلماء آقا حسین خونساری بود و ما و اخوند ملا محمد تقی مجلس علیه الرحمه بود چنانچه از رساله ملاحظه ر علی مفهوم میشود صاحب بروضه بهیه آورده که استاوش جناب آقا حسین خونساری با آن فضل و کمال از ترقی یافت او

نزدیکی داشته تنگ میشد بجز العلوم طباطبائی و در فوائد عالییه میفرماید محمد بن الحسن الشیرازی الشیرازی  
 ملا میرزا از تصانیف اوست کتب و رسائل بسیار از آنجا شرح شراعی بر بحث قضا و صلوة  
 جماعت تقریباً ده هزار بیت است و از دست جوینی متفق بر رسالک رساله غسل بیت صلوة  
 او در رساله در بیان سم و دملک و رساله در جبه و عبرتیه و رساله در جبه و رساله در عید و ذباحه  
 و رساله در بیان اینک ما ایا نفس سالک دار و بار و رساله در زکوة و اجوبه مسائل حل عبارت بشکل  
 از قواعد آنجا جمله است کل من علیها طهارة واحبة بین کبيرة و صغيرة بنوی انو جواب  
 و از آنجا به اشتیاقی عبدالعجادیة در آنجا لوکان التزلو من طهارة تین فی تو بین و مسئله در  
 و جواب و رساله در بیان ماه و رساله در بیان عصمت از موریه بل انی در رساله در حدیث  
 مشهور ستة اشياء ليس للعباد فيها امر و رساله در حل حدیث من اعصى و رساله در بیان  
 فارسی و رساله در نبوت و امامت فارسی و رساله در احباب و تکفیر و رساله در بیان اختلافات  
 در نظری و ضروری و رساله در کائنات و رساله در کتب آرا برای شاه عباس نه شده بود و رساله در  
 حدیث کلام الله حاشیه عالم الاصول فارسی و عربی و حاشیه شرح مختصر تائیه ملاح و آتیه  
 بر حاشیه قدیمه حاشیه بر نفسی حاشیه دیگر بر نفسی حاشیه اثبات واجب حاشیه حکم العین حاشیه  
 شبهه الاستدلال و رساله در احیاء رساله انموذج العلوم و رساله در حدیثیه هفت و شکل رساله در سالیه  
 الموهوبی حیدر علی بن ملا میرزا الشیرازی پسر شهید ملا میرزای سابق الذکر است انفاض  
 نوده و معتقدین بگانه بود ملا حیدر علی بن طوسی در احوال خود آورده که فاضل مقدس حیدر علی بن  
 ملا میرزا محمد بن حسن الشیرازی از تصانیف اوست کتاب انجاس امامت و دیگر مسائل متعدده  
 هم دارد اقا رضی الدین محمد بن العلامة آقا حسین الخونساری عالم الای و فاضل  
 بود از تصانیف اوست حاشیه بر حاشیه حفریه بر الهیات شرح تخریج علی حزن در رساله سوانح عمری خود بنام  
 فاضل و کمال علامی آقا جمال خلف ارشد آقا حسین آورده که دیگر فاضل عالمی شان اقا رضی الدین  
 پسر آقا حسین خونساری از او کیا به طبیبی بنایت دقیق و فکری عالی داشت مدینه مدینه

بسیاری از فضلاء سابقین شده اند و در جوانی و در گذشته و ضعیف الله عند مولانا محمد مسیح الکاشانی  
 سر و قرا فاضل اعلام و ادکیای ذوق الاحترام بود فاضل امین شیخ علی مزین در تذکره خود و دیگر  
 ذکر علمای اعلام آورده المولی کالدیب الفصیح محمد مسیح رحمه الله از اهالی کاشان و از تلامذ  
 ملائی آقا حسین خونساری و بصابت ایشان نیز ممتاز بود و معلوم شد اوله مدارس و فارسی  
 مضامین اشعار و در اشعارت داشت باراشکی و شایستگی نخل آرامی انجمن افاضل و صاحب  
 دانشوران کامل و صاحب در شعر تخلص ایشان است فقیر در مجلس والده علامه طاب شاه  
 اوراک صحبت آن صاحب کمال بسیار نمود متبع قصیده لایسته طغرافر فرموده ابیات خوب در آن  
 قصیده دارد و شعر فارسی بسیار گفته اشعار عالی رتبه در آن میان از طبع مستقیمش بر صفحه روزگار  
 بیادگار است انتی بقدر حاجه مولانا السید قوام الدین محمد الشیفی الحسینی القزوی  
 از افاضل فقهای کاملین و اکابر علمای مفسرین و محدثین است شیخ علی مزین در تذکره خود در ذیل  
 اعلام از علمای کرام مرقوم ساخته السید الجلیل قوام الدین محمد الشیفی الحسینی القزوی  
 علیه الرحمه احوال سلسله سادات سیفی حسینی قزوی و اصحاب کمالی که در آن خانواده بوده اند  
 بر واقفان میرسد و نخواهد بود و با جمله میرزا قوام الدین سلاله آن خاندان و از شایسته افاضل زمان  
 بود در علوم عربیت میل العصر و در فقه و حدیث جلیل القدر و منشرح الصدق متخلی با جناس فضائل و  
 نقاده اتقیای کامل بود پیوسته بجای غربا و ضعفای هر دیار و کف در بانو اش شک بر بهار  
 قله اوصاف کمالش بجز و انکسار اعتراف دارد فقیر چندی در اصفهان و باری در قزوین فیض  
 صحبتش دریافته شعر عربی و فارسی بغایت سنجیده میگفت من کتاب لمعه و مشقه را که در فقه مشهور است  
 در المال بلاغت منظوم نموده و در نظم تواریخ مهارت عجبی داشت انتی بقدر حاجه مولانا  
 میرزا باقر الاصفهانی از ادکیای عصر خود بود در تذکره علی مزین مسطور است که در المناقب  
 و المفاخر المیرزا باقر طاب صواحه بقاضی زاده عباس آباد معروف بفضائل ظاهریه  
 و باطنی موصوف مولد موطنش اصفهان از اعیان زمان بود اسبق نقاده منقول از حضرت

ناظم المعجم و المستقیم

بتلازمان و الاغانی باقره اسانی علیه الرحمه و منقول از تیه الحکامیه قوام قدس اندر  
 نمود و صاحبی درین باب باوالد علامه جمعه الله و مطوفی تام بحال را قلم این مقاله داشت <sup>سبت</sup>  
 سابقه اش با دقایق صناعت شعر از اکثر افاضل بیشتر و بی فکرش را در شکر ریزی قسمتی اوئی را و فرمود  
 در عشر سبعین از مراسل زندگانی اجتهان قانی را پرورد نموده بخطات قدس از حال نمود  
 فصل گل و موسم بهار است + گل از بزرگ و بوی یار است + بی تو شب به تیره روزان + چون چشم سفید گشته <sup>سبت</sup>  
 و لانا شیخ خلیل الله الطالقانی الافاضل و کملائی عصر خود بود در تذکره علی حزین <sup>سبت</sup>  
 لفاضل العادف مظهر العواطف الشیخ خلیل الله الطالقانی از افاضل اصحاب  
 یقان و مستغرق بحر عرفان زلال چشمه النفس و آفاق و از خصیض علائق باوج اطلاق رسیده بود  
 چهل سال کمیش در یک خرقه و شبار و زری بیک دو لقمه جربیش اکتفا نموده کیفیت ریاضات  
 و سلوک زندگانی آن زنده جاودانی اتساع مقامی عظیم میخورد علوم ظاهر و باطن را جامع و نوره رشود  
 از سیاهی اولام بود و گوشه عزلت در اصفهان اختیار و آخر از انجا بلا اعلی انتقال نمود خطوط از زیبا  
 می نوشت و مجلدات بسیار کتب نافعه بقلم مبارک خود کتابت فرموده و وقت بطلبه نمود  
 و بقدم مصداقت و ددا که باوالد علامه اعلی الله مقامه داشت در بدایات حساب قبول  
 تربیت این بی سواد استعداد فرمود چنانکه بسیاری از مقدمات علمیه را تلقین از آن عارف  
 ربانی یافته و پرتو التفات او بر مشاعر این قاصر تافته گاهی بانشای اشعار زبان مقالش

ترجمان حال شدی انتی بقدر حاجه الفاضل الادیب الفصیح محمد مسیح بن اسمعیل  
 المعروف بلامی الفسائی از اکابر ادبا و فضلاء اعلام و افاخم علماء و اجالی ندوی  
 الاحترام و از اعظم تلامذة قدوة الانام آقا حسین خونساری بود چنانچه شیخ علی حزین در تذکره  
 خود بتقریب ذکر علمای اعلام آورده المولی الاجل الفاضل اکمل مسیح الا نام اعلی <sup>الله</sup>  
 مقامه اسم شریفش مسیح بن اسمعیل فسائی است که از گزیرات شیراز و روزناست و طاعت  
 هوامتاز است و تخلص حضرت علامی در اشعار عربی مسیح و در فارسی معنی است علامه روزگار



و تادرة او داره جميع علوم سرآمد علمای اعلام و اصدق و کیمای افاضل عالی مقام بود و ایضا  
 شیخ علی حزین بعد مدح بسیار میگویی که با آنکه بسبب کبر سن آثارش کنگه و هر م از یکرا نورین اشعار  
 بود فوت حواس بدرجه کمال اصلا فتور و کلالی بان روح مجسم را نداشت شگفتی طبعش کنگ  
 نوبهار و روضه رضوان و سررینامه حقائق تصویرشش رنگ کلفت غنیمت بود شده ان میز و در دست  
 رسائل نفیسه و حواتی شریفه از آثار ذهن و قادی طبع نقادش بر نغمه زگار بر بادگان و خطب شعرا و  
 منشآت بدیعش کمال الجواهر بسیار فصیحی بلاغت شعراست اشعار عربی آن مسیح که او افکن کالای  
 با زاچه بدیع و حریری و رونق شکن شعر متنبی و مغزی و در انشای شعر فارسی شکر شامان تراصلای احسان  
 و نوال داده و از نوای کلک طوبی مثال بود و مع قدسی سر و شان در گنجینه سنی کشاده با آنکه در  
 مراحل عشرتسین جهان بی بقا و دواع نمود و دواع حرمان بر دل خرد پشیمان ارباب گذار  
 و ایضا گفته که از نقائس منشآت فارسی و بیاجه ایست که بر ترجمه کتاب معصائب النوا صعب  
 و بر رساله شریفه خود که در باب حضور اتمام است قلمی فرموده و دیگر مکاتیب که در مجموعه مدق  
 مندرج است و اشعار عربی و فارسی ایشان با معیاریت یکیز و کسری کم خواهد بود و شیخ علی حزین  
 بعد ازین قدری از اشعار و بعض قصائد شریفه آنجناب نقل نموده و ایضا آورده که از خطب  
 بلغیه علامی مسیحا و خطبه ایست که در جلوس سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی انشا فرموده و در  
 نکاح و غیر ذلک از جای منشآت عربی و اسلامیت که از جانب سلاطین و وزراء شرقای مکه  
 و والی مین نوشته و آنچه خود بر مسی العلمای احسان مرحوم ذوالربر و این خاکسار و بلا علی حنا  
 نبلی و بیجا لیسوس الزمان میرزا اشرف حکیم و نوبیر اعظم میرزا مهدی و محمد بیگ و غیر ذلک نگاشته  
 قانون کتابت بلاغت بیا و گار گذاشته و ایضا شیخ علی حزین در سوانح عمری خود بتقریب ذکر  
 علمای شیراز آورده و دیگر از افاضل آن شهر مولانا محقق جامع العقول و المنقول خوانده سیما  
 فسوی علیه الرحمه بود و بتدریس اشتغال داشت وی از اعظم ملائمه مرحوم قاسم حنجی شیراز  
 و قدوة مقتدای عمد و بحدت ذهن و حسن سلیقه و تجرد جمیع علوم اشتهار داشت و منصب